

فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
سال هجدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳
صص ۵۸-۷۳

تحلیلی بر ورود نابرابر داوطلبان به دانشگاه‌ها، فوریتی به سمت افزایش برابری کیفیت آموزش

زهرا مصطفی پور^۱، حمید رحیمیان^۲، عباس عباس پور^۳، سعید غیائی ندوشن^۴، علی خورسندی طاسکوه^۵

چکیده:

هدف: امروزه ورود به مراکز آموزش عالی کشور با توجه به افزایش داوطلبان در برخی رشته‌ها و رشد کمی دانشگاه‌های کشور با کیفیت نابرابری انجام می‌پذیرد. هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های برابری کیفیت ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها و ارائه الگویی برای آن می‌باشد.

روش: این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون انجام گرفته است. برای این منظور تعداد ۲۱ نفر به طریق نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری از بین صاحب‌نظران دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی مربوط به حوزه کیفیت آموزش عالی انتخاب شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. از روش روایی تنوریکی به منظور تعیین میزان روایی آن استفاده شد. پایایی آن با کدگذاری شش مصاحبه، با ضریب توافق ۰/۸۷ محاسبه گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که طبق نظر اعضای هیأت علمی، شرایط و کیفیت ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها با یکدیگر نابرابر می‌باشد و به تبع آن کیفیت آموزش دانشگاه‌ها، غیر یکسان و نابرابر است. همچنین نتایج نشان داد به منظور ایجاد برابری کیفیت ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها می‌بایست به دو مرحله قبل از ورود و مرحله ورود به دانشگاه‌ها و شاخص‌های آن نظیر پیشرفت تحصیلی مقطع قبلی، رتبه کشوری، منابع انسانی، مالی، امکانات و تجهیزات توجه نمود. **نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق حاضر نشان داد عدالت آموزشی در ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها یکی از راه‌های کیفیت بخشی به امر آموزش و تعالی آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ورود نابرابر، آموزش، کیفیت آموزشی، برابری آموزشی.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۵

^۱ - مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mostafapourzahra@pnu.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Hamrahimian@yahoo.com

^۳ - استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Abbasabbaspour1386@gmail.com

^۴ - دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Ghiasi_saeed@gmail.com

^۵ - دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. khorsandi@gmail.com

مقدمه

امروزه ارزیابی توسعه جوامع در سطح بین‌المللی بر مبنای میزان برابری و برقراری عدالت در همه جنبه‌های مختلف زندگی از قبیل جنسیت، آموزش، سرمایه‌گذاری، زندگی اجتماعی، حمل و نقل و... می‌باشد. (روبرتسون^۱، ۲۰۱۵) برابری نیاز جوامع انسانی است تا گروه‌های جمعیتی حاضر در آن بتوانند از تحرک و جابجایی عدالت‌گونه‌ای بر خوردار باشند و امکان فعالیت و حرکت به سمت توسعه و استفاده از منابع طبیعی و غیر طبیعی را داشته باشند. (اولوو^۲، ۲۰۱۹) با این حال، هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که بتواند ادعا کند که نابرابری‌های اجتماعی_اقتصادی در آموزش را کاملاً از میان برده باشد. برخی از کشورهای عضو پیزا^۳ موفق به ایجاد سیستم‌های آموزشی شده‌اند که در آن وضعیت اجتماعی و اقتصادی کمتر در یادگیری، رفاه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دخالت دارد، هر کشوری می‌تواند برای بهبود برابری در آموزش بیشتر تلاش کند. امروزه با توجه به افزایش شدید نابرابری اقتصادی در سال‌های اخیر، بهبود حقوق برابر در آموزش، بیش از دهه‌های پیش از آن ضروری است. نابرابری درآمد در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی امروزه در بالاترین سطح خود از دهه ۱۹۸۰ است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴، ۲۰۱۸) و بهبود اقتصادی که از سال ۲۰۱۰ دیده شده است این روند را تغییر نداده است. (همان منبع، ۲۰۱۶) در نتیجه، کشورها به طور فزاینده‌ای از پیامدهای بالقوه منفی رشد نابرابری اقتصادی در تحرک اجتماعی و آموزشی نگران هستند.

تحلیل پیامدهای آموزشی یا ارزیابی عملیات دانشگاهی نیازمند ایجاد و بررسی داده‌ها و عوامل مربوط به کیفیت در مؤسسات آموزش عالی است. این داده‌ها جهت بررسی کیفیت مؤسسات آموزش عالی می‌بایست به صورت صریح و روشن باشد. فرهنگ و تکنیک ایجاد کیفیت و جلوگیری از موانع آن در آموزش عالی نیازمند تحلیل کاربردی آن است (هارت ول^۵، ۲۰۲۰)

در اوایل سالهای گسترش آموزش عالی، نابرابری‌های کمی بزرگترین دغدغه کشورها بوده است اما اکنون نابرابری‌های کیفی در بخش‌های اداری، سازمانی، آموزشی و پژوهشی به عنوان معضل مقایسه

¹- Robertson

²- Olowo

³-Program for International Student Assessment

⁴-Organization for Economic Cooperation and Development

⁵ -Hartwell

و تفاوت بین دانشگاه‌ها مطرح است (بصری و آلتینی^۱، ۲۰۱۸). صرف دارا بودن کیفیت برخی دانشگاه‌ها، کیفیت نیروهای کاری آینده تضمین نمی‌شود زیرا سازمان‌ها به فراخور شرایط مکانی و زمانی خود از همه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها برای جذب نیرو استفاده می‌کنند و نیروی کاری به تناسب عدم کیفیت‌های دانشگاهی، متفاوت خواهد بود (هاروی، ویلیامز و دیل، ۲۰۱۲).

از طرفی موقعیت و شرایط پذیرش دانشجو در بسیاری از مؤسسات خوب آموزشی، به خصوص در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی طوری است که افراد شهرهای کوچک و روستاها به علت دوری مسافت، پایین بودن نسبی سطح آموزش دبیرستانی و موفق نشدن به احراز شرایط پذیرش یا فقر و نداشتن بضاعت مالی، نمی‌توانند به این مؤسسات راه یابند. کسانی که دسترسی به آموزش و پرورش صحیح پیدا نمی‌کنند و استعدادها و توانایی‌هایشان آن‌طور که شاید و باید پرورش نمی‌یابد، نمی‌توانند در میدان زندگی با افرادی که از آموزش و پرورش بهره بیشتری برده‌اند، برابری کنند و در مقایسه با آنها "فرصت" مساوی برای تحرک اجتماعی ندارند. آموزش و پرورش باید فرصت یکسان استعدادها، اندوختن دانش‌های لازم برای زندگی و نیز یافتن ارزش‌ها و بینش‌های انسانی را میسر سازد. (فیوضات، ۱۳۹۶).

برابری در آموزش عالی تأکید می‌کند که دانشجویان با پس‌زمینه‌های مختلف به طور مساوی دارای مدارک تحصیلی عالی‌تر باشند که باعث موفقیت آن‌ها در بازار کار و رسیدن به اهداف خود به عنوان اعضای بزرگسال جامعه می‌شود. (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸). بعضی از محققان، برابری را به عنوان مهم‌ترین نگرانی در آموزش عالی می‌دانند و بیان می‌کنند باید برابری در آموزش عالی شامل جوانب زیادی باشد و نباید فقط شامل یک جنبه باشد که عبارت‌اند از:

- ۱) سازمان‌دهی مؤسسات آموزش عالی و اداره آن‌ها، تأمین بودجه یکسان، زندگی یکسان در محیط دانشگاه، ارتباط وسیع با جامعه
- ۲) تأمین یکسان امر معاش دانشکده، روش کار یکسان، آزادی تحصیلی و برنامه‌های درسی یکسان
- ۳) آژانس‌های تأمین مالی، انتظار داشتن در بهره‌وری، شاخص‌های اعتبار و کوتاه‌سازی دانش از طریق شیوه‌های سرمایه‌داری

¹ -Basari & Altinay

² -Harvey, Williams & Dill

۴) تأمین فرصت برای یادگیری، دسترسی، پایداری، دستیابی، آموزش و طبقه‌بندی اجتماعی ایجاد شده توسط مشارکت در آموزش عالی. (پاسکو، کاردوسی، کانتز و گیلدرسلوو^۱، ۲۰۱۳).

امروزه، نابرابری ورود به دانشگاه‌ها، بدلیل رشد کمی دانشگاه‌ها و تقاضای بسیار داوطلبان در برخی رشته‌ها به صورت قابل ملاحظه‌ای محسوس است. اکنون در کشور، تمامی داوطلبان با سطوح مختلف علمی و گاهاً با آمادگی‌های اندک و حتی با حداقل‌های آن، امکان ورود به دانشگاه را دارند. این در حالی است که برخی مراکز آموزش عالی کشور به لحاظ هیأت علمی مرتبط با رشته تحصیلی و برخی امکانات و تجهیزات مربوط به رشته‌های دایر در مرکز دانشگاهی دچار کمبود هستند. این مهم در کیفیت آموزش دانشجویان و تربیت نیروی ماهر برای آینده جامعه اثرگذار خواهد بود.

هدف این پژوهش شناخت و بکارگیری شاخص‌های ورود به دانشگاه‌ها به منظور رساندن داوطلبان به حدی از آمادگی است که بر مبنای آن بتوانند آموزش‌های دانشگاهی را با کیفیت و یکسانی بیشتری دریافت کنند؛ به طوری که تمامی داوطلبان به حداقل استانداردهای مرحله ورود به دانشگاه‌ها رسیده باشند. اگر آموزش عالی به عنوان یک سیستم در نظر گرفته شود؛ مرحله ورود به دانشگاه‌ها اولین مرحله یک سیستم است که ناهمگونی کیفیت آن منجر به نابرابری در سایر مراحل سیستم خواهد شد. ورود نابرابر داوطلبان به آموزش عالی از حیث میزان یادگیری‌های قبلی و آمادگی علمی آنها، آموزش نابرابر در مرحله فرایند دانشگاه‌ها ایجاد خواهد کرد؛ زیرا کیفیت ماده اولیه، نوع آموزش، میزان و کیفیت آن را در مراحل بعدی رقم خواهد زد.

برابری در آموزش به این معنی است که مدارس و سیستم‌های آموزشی فرصت‌های آموزشی برابر برای همه دانشجویان فراهم کنند. در نتیجه، دانشجویان با وضعیت اجتماعی و اقتصادی، جنسیت یا مهاجرت و با پیش‌زمینه خانوادگی مختلف به سطوح مشابهی از عملکرد تحصیلی در حوزه‌های شناختی کلیدی مانند خواندن، ریاضیات و علم و سطوح مشابه رفاه اجتماعی و عاطفی در عرصه‌هایی مانند رضایت از زندگی، اعتماد به نفس و ادغام اجتماعی در طول تحصیلات خود برسند. برابری به این معنا نیست که همه یادگیرندگان نتایج تحصیلی یکسان را به دست آورند، بلکه به این معناست

¹ -Pasque, Carducci, Kuntz & Gildersleeve

که تفاوت در نتایج دانشجویان با پیشینه آن‌ها یا شرایط اقتصادی و اجتماعی که افراد کنترل آن را ندارند، هیچ ارتباطی نداشته باشد. (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸).

در مفهوم لیبرال کلاسیک، برابری یعنی همه‌ی افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، منشأ اجتماعی و ملی، در حقوق برابر و آزادند. برابری در آموزش به این معنی است که افراد باید در شروع آموزش برابر باشند. برابری فرصت‌های آموزشی زمانی محقق می‌گردد که همه افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند. این هدف امروزه در سطح بین‌المللی پذیرفته شده اما کاملاً تحقق نیافته است. (لیونن^۱، ۲۰۰۰).

گاتمن (۱۹۷۸) سه روش (حداکثرسازی^۲، برابرسازی^۳ و نخبه‌پروری^۴) را برای ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر مطرح کرد. حداکثرسازی؛ زمانی که دولت منابع زیادی به آموزش در به حداکثر رساندن فرصت برای همه دانش‌آموزان اختصاص دهد؛ "حداکثرسازی" می‌گویند. البته در نظام‌های آموزشی دارای منابع محدود، این روش عملی نیست.

برابرسازی؛ این روش شانس زندگی یادگیرندگان محروم را مانند یادگیرندگان ثروتمند افزایش می‌دهد؛ همچنین به برابری نتایج اشاره دارد و برای دستیابی به این امر باید همه‌ی موانع طبیعی و محیطی دستیابی به سطوح متفاوت آموزش از بین بروند، این روش که در جستجوی فرصت‌های آموزشی برابر است را "برابرسازی" می‌گویند. نخبه‌پروری؛ این روش که در آن منابع آموزشی به نسبت توانایی طبیعی و انگیزه یادگیری افراد توزیع می‌شود "نخبه‌پروری" می‌گویند.

گسترش تعلیم و تربیت و آموزش عمومی و فراهم آوردن امکانات و فرصت‌های برابر آموزشی برای کلیه افراد جامعه در سطوح مختلف آموزشی یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین وظایف سده اخیر دولت‌ها بوده است. در تعمیم و تحقق این سیاست جهانی، جامعه آموزش ایران، در دو دهه اخیر سیاست گسترش کمی جامعه دانش‌آموزی و دانشجویی را اجرا کرده است. این در حالی است که کمبود نیروی انسانی ماهر و نامتوازن بودن آن با توجه به پراکنندگی جغرافیایی کشور و نابرابری در دسترسی به نیروی انسانی کافی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و نابرابری‌هایی است که نظام آموزش ایران با آن روبرو بوده است. از جمله نابرابری‌های کمی دیگر، نابرابری در برخورداری از منابع، امکانات، تجهیزات و فرصت‌های متنوع بین مناطق مختلف جغرافیایی، نابرابری جنسیتی، فقدان

¹ -Leinonen

² -Maximization

³ -Equalization

⁴ -Elite husbandry

تخصیص و تسهیم منابع و اعتبارات بسیار محدود و آموزشی متناسب یا پراکندگی و فقر جغرافیایی و منطقه ای، نابرابری در تخصیص سرانه فضاهای فیزیکی و محیط‌های آموزشی می‌باشد. (خورسندی، ۱۳۹۰)

سبحانی نژاد و افشار (۱۳۸۷) در مقاله "تبیین ماهیت و مؤلفه‌های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی" به منظور شناخت چالشها و طرح پاره‌ای راهکارهای نوآورانه به بررسی چهار سؤال پژوهشی «چستی کیفیت در نظام آموزشی»، «شاخص‌های کیفیت سنجی در نظام آموزشی»، «عمده‌ترین نقاط ضعف کیفی نظام آموزش عالی ایران» و «راهکارهای کیفیت بخشی به نظام آموزش عالی ایران چیست؟» پرداخته اند. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه اسناد، مدارک مرتبط با موضوع بوده است. در این ارتباط نمونه‌گیری انجام نشده، بلکه منابع و مراجع در دسترس مذکور مورد بررسی و تحلیل واقع گردیده است. در این تحقیق، آموزش‌های متناسب با نیازهای جامعه، استقرار یک سیستم کارآمد ارزشیابی، گزینش فراگیران و استادان، تجهیزات و امکانات و ارزیابی درونی دانشگاه‌ها پیشنهاد شده است.

معروفی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان "تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی" سه بعد مهم و اساسی در امر آموزش (مدرس، دانشجو و محیط آموزش) را از دیدگاه اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی کشور در خصوص اولویت‌بندی مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار داده است. بر مبنای نتایج تحقیق وی از عوامل و مؤلفه‌های بسیار با اهمیت در حوزه مدرس می‌توان به ویژگی‌های فردی، شخصیتی و اخلاقی و شغلی، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های برقراری و حفظ ارتباط، مهارت ارائه درس، مهارت مدیریت کلاس و مهارت ارزشیابی تدریس و یادگیری اشاره کرد. از مؤلفه‌ها و عوامل بسیار مهم و اثرگذار بر کیفیت آموزش در حوزه دانشجو می‌توان به ویژگی‌های فردی و خانوادگی، سوابق و تجربیات تحصیلی و انتظارات دانشجو از استادان اشاره نمود و در نهایت از عوامل و مؤلفه‌های مهم در حوزه محیط آموزشی می‌توان به محیط فیزیکی، شرایط آموزشی، محیط سازمانی و اداری و راهبردهای ارزشیابی کیفیت آموزشی اشاره کرد.

تحقیقی در کشور استرالیا در سال ۲۰۱۷ در مورد برابری بازده‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بازار کار با پیشینه‌های مختلف انجام شد که فارغ‌التحصیلان چهار دانشگاه را بر اساس ثبت سوابق دانشجویان مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی نابرابری‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به عنوان یک

کار مهم و قابل ارزیابی در سیاستهای آموزشی این کشور به منظور کاهش نابرابری‌های مناطق محروم مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در مناطق مختلف استرالیا به لحاظ جذب بازار کار و مهارت‌های خروجی‌های دانشگاه‌ها تفاوت وجود دارد. همچنین طبق نتایج انگیزه بیشتری در بازار کار در قبال افزایش برابری کیفیت سرمایه‌های انسانی ایجاد می‌شود. در این خصوص حمایت بیشتر از سیاست‌های تشویقی به منظور دسترسی و تکمیل آموزش عالی مناطق مورد نیاز است. تشکیل گروه‌های عدالت محور در دانشگاه‌ها و حتی بعد دانش آموختگی دانشجویان در مناطق بومی استرالیا کم کم منجر به افزایش سطح برابری در مناطق با جمعیت زیادتر خواهد شد. برخی گروه‌های عدالت محور تلاش جهت کاهش شرایط نامساعد و نابرابر بازار کار بعد از دانش آموختگی را بر عهده دارند. در حالیکه برخی، سیاست‌هایی جهت عمل همراه با اندازه‌گیری به منظور تشخیص موانع قبل و بعد از دریافت مدرک را دنبال می‌کنند. (لی، ماهوتی، دوکری و جونانکار^۱، ۲۰۱۷)

سؤالات تحقیق

در حال حاضر با توجه به رشد کمی دانشگاه‌ها و افزایش متقاضیان در برخی رشته‌ها بدلیل وجود بازار کار برای افراد، ورود داوطلبان به مراکز آموزش عالی از نابرابری‌های زیادی برخوردار است. این نابرابری‌ها زمانی به اوج خود می‌رسد که در برخی رشته‌های تحصیلی علی‌رغم اینکه داوطلبان به ملاک مورد نظر جهت ورود به آن رشته‌ها نرسیده‌اند؛ به صرف داشتن ظرفیت جذب، امکان ورود به مراکز دانشگاهی را پیدا می‌نمایند. این نحوه ورود به دانشگاه منجر به رشد دانش آموختگانی با میزان دانش و مهارت‌های نابرابر می‌گردد که در آینده وارد بازار کار و رقابت می‌گردند. با توجه به آنچه گفته شد سؤالات پژوهشی این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

۱) شاخص‌های کیفیت ورود به دانشگاه کدام‌اند؟

۲) الگوی مفهومی برابری کیفیت ورود به دانشگاه چگونه است؟

روش تحقیق

از نظر هدف، پژوهش حاضر از نوع کاربردی می‌باشد زیرا بر مبنای نتایج آن، می‌توان کیفیت ورود به دانشگاه‌ها را اصلاح نمود تا به تبع آن کیفیت آموزش و همچنین برابری آن افزایش یابد. از آنجا

¹- Li, Mahuteau, Dockery & Junankar

که هدف کلی این پژوهش شناخت شاخص های برابری مرحله ورود به دانشگاه ها می باشد؛ لذا جهت رسیدن به این منظور نیاز مند بود شاخص های اصلی این الگو شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش، شامل کلیه افراد مطلع در خصوص برابری کیفیت آموزش در آموزش عالی می باشد. بنابراین نمونه مورد مطالعه از بین صاحب نظرانی انتخاب گردید که در ارتباط با موضوع کیفیت آموزش دارای سوابق علمی و پژوهشی بوده اند. به منظور جمع آوری داده ها تعداد ۲۱ نفر از طریق نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب و به صورت مصاحبه نیمه ساختاریافته اقدام شد. فرایند انجام آن تا مرحله اشباع نظری پیش رفت. از این تعداد مصاحبه شونده، تعداد ۶ نفر زن و ۱۵ نفر مرد بودند و مرتبه علمی آنها یک نفر مربی، یک نفر کارشناس ارشد (کارشناس پژوهش)، سیزده نفر استادیار، چهار نفر دانشیار و دونفر استاد تمام بودند. همچنین از این تعداد مصاحبه شونده، سیزده نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه های دولتی، پنج نفر عضو هیات علمی پیام نور و سه نفر عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بودند.

جهت تعیین روایی مصاحبه ها از روایی تئوریکی استفاده شد. استراتژی در این خصوص جهت ارتقاء روایی تئوریکی دریافت نظرات همکاران^۱ می باشد. که در آن محقق زمانی را صرف بحث بر روی تبیین هایش با همکاران می کند. محقق در این پژوهش، تمامی مراحل تحلیل یافته ها را در اختیار چند تن از متخصصان قرار داد. به منظور تعیین پایایی مصاحبه ها از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. این روش جهت اطمینان از درک و فهم افراد مختلف از یک متن مصاحبه است. این روش به محقق کمک می کند آیا تفسیر و معنای مشترکی از محتوای مصاحبه استنتاج شده است؟ برای محاسبه میزان پایایی از افراد متخصص در این زمینه استفاده شد که با روش کدگذاری آشنایی داشته اند. تعداد شش مصاحبه مورد بررسی قرار گرفت که میزان پایایی آن برابر با ۸۷ درصد می باشد. روش مورد استفاده به منظور دستیابی به مؤلفه های الگوی مورد نظر، تحلیل مضمون بود.

¹ -Peer review

یافته‌ها

با استفاده از تحلیل نتایج مصاحبه‌های انجام یافته و با توجه به سؤال پژوهشی اول، اعضای هیأت علمی جهت برابری کیفیت ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها به دو مرحله اشاره نموده‌اند. این مراحل شامل مراحل قبل از ورود و ورود می‌باشد. این دو مرحله به عنوان مرحله‌های اولیه‌ای است که می‌توان بر اساس آن نابرابری‌های آموزشی مراکز آموزش عالی را در ابتدای امر کنترل نمود.

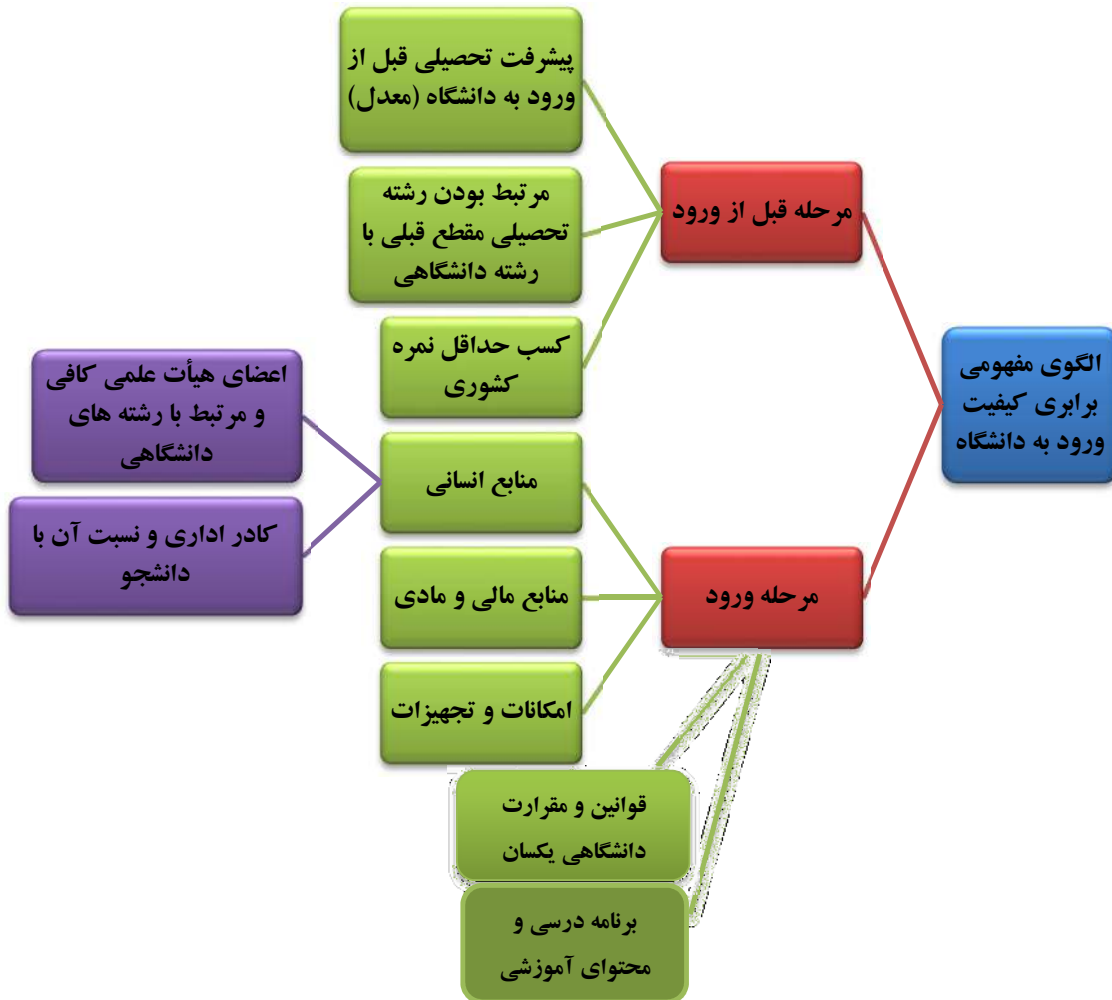
۱- مرحله قبل از ورود: مرحله قبل از ورود شامل تمامی یادگیری‌های شناختی داوطلبان در ارتباط با رشته تحصیلی دوران متوسطه آنها می‌شود. این مرحله شامل پیشرفت تحصیلی قبل از دانشگاه از قبیل ملاک معدل، مرتبط بودن رشته تحصیلی مقطع قبلی با رشته‌های دانشگاهی و رتبه کنکور می‌شود. اعضای هیأت علمی معتقد بودند در صورتی می‌توان فرایند یاددهی و یادگیری دانشجویان را به سمت برابری کیفیت آموزش سوق داد که مرحله قبل از ورود دانشگاه‌ها و صافی‌های آن برای همه دانشگاه‌ها یکسان باشد. برخی مراکز آموزش عالی بدون توجه به معدل یا حتی مرتبط بودن رشته تحصیلی مقطع قبلی، اقدام به جذب دانشجو می‌کنند به طوری که آموزش و یادگیری دانشجویان در مرحله فرایند آموزش دچار نابرابری و کاهش کیفیت آموزش می‌شود. یکی از اعضای هیأت علمی در این زمینه گفته است: "اگر دانشگاه‌ها، ورود نابرابر داشته باشند و صرف بر کردن صندلی‌های دانشگاهی اقدام به جذب دانشجو کنند؛ در مرحله یادگیری‌های دانشگاهی شکافی عمیق بین دانشجویان به لحاظ کسب دانش‌ها و مهارت‌ها ایجاد خواهد شد.

۲- مرحله ورود: منظور از مرحله ورود، دروندادهای نظام آموزش عالی است که می‌تواند کیفیت آموزش دانشجو را تحت تاثیر قرار دهد. عواملی چون منابع انسانی اعم از هیأت علمی، کادر اداری و دانشجو، منابع مادی و مالی، امکانات و تجهیزات، قوانین و مقررات و برنامه درسی در این مرحله قرار می‌گیرد. یکی از صاحب‌نظران در این رابطه این طور بیان کرده است: "اگر امکانات مرتبط با رشته تحصیلی مثل استاد مرتبط، آزمایشگاه، کتابخانه، بودجه و ... در دانشگاه‌ها در حد نیاز وجود نداشته باشد؛ قطعاً دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی به لحاظ جذب بازار کار و داشتن میزان توانمندی‌ها با همدیگر متفاوت خواهند بود". طبق نظر صاحب‌نظران، در مرحله ورود، اگر دانشگاه‌ها بخواهند

سطح کیفیت یادگیری و آموزش را برابر با استانداردها در نظر بگیرند، مراکز آموزش عالی می‌بایست از اعضای هیأت علمی کافی و مرتبط با رشته‌های دایر در دانشکده، کادر اداری متناسب با تعداد دانشجو، منابع مالی و امکانات و تجهیزات متناسب با رشته‌های تحصیلی، قوانین و مقررات یکسان دانشگاهی، برنامه درسی و محتوای آموزشی یکسان و استاندارد برخوردار باشد. جدول شماره ۱ شاخص‌های شناسایی شده مربوط به کیفیت ورود به دانشگاه‌ها را طبق نظر صاحب‌نظران نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های شناسایی شده کیفیت ورود به دانشگاه‌ها طبق نظر مصاحبه‌شوندگان

مفاهیم شناسایی شده مرتبط	مقوله اصلی (مؤلفه‌ها)	صاحب‌نظران (برمبنای کد مصاحبه)
معدل داوطلب در دوره متوسطه، پیشرفت تحصیلی قبل از دانشگاه، مرتبط بودن رشته تحصیلی دوران متوسطه با رشته‌های دانشگاهی، رتبه کنکور و حداقل نمره‌های کشوری	مرحله قبل از ورود	۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۹ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۱
منابع انسانی (هیأت علمی و پرسنل اداری و دانشجو)، منابع مالی و مادی، امکانات و تجهیزات، قوانین و مقررات، برنامه درسی و ارائه دروس پیشنیاز	مرحله ورود	۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱



شکل ۱. الگوی مفهومی برابری کیفیت ورود به دانشگاهها

ویژگی های الگو:

- ۱) این الگو از دو بعد مراحل و شاخص تشکیل شده است. در بعد مراحل نگاه سیستمی به دانشگاهها مدنظر بوده است. دانشگاه به عنوان یک سیستم دارای درونداد می باشد. این درونداد قبل از ورود به دانشگاه شکل می گیرد و تا بعد از ورود به آن ادامه دارد.

۲) در مرحله قبل از ورود و در بحث شاخص‌های آن، آنچه مهم است توجه به ایجاد شرایط استاندارد نزدیک به حداقل‌های ورود به دانشگاه‌هاست؛ به طوری که جهت پذیرش در هر رشته تحصیلی، شرایط قبل از آن مثل شاخص معدل، رتبه کشوری، آمادگی‌های علمی لازم و مرتبط بودن رشته تحصیلی مقطع قبلی با رشته دانشگاهی، توسط داوطلب کسب شده باشد.

۳) در مرحله ورود، کمیت و کیفیت منابع انسانی به لحاظ نسبت درست اعضای هیأت علمی با دانشجو، مرتبط بودن رشته تحصیلی عضو علمی با رشته‌های دایر در دانشگاه و نسبت کادر اداری با دانشجو مد نظر است. شاخص بعدی در این مرحله، منابع مالی و مادی به اندازه و مطابق با نیاز هر رشته تحصیلی در دانشگاه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که نابرابری آن در دانشگاه‌های مختلف، نابرابری‌های آموزشی را تشدید می‌کند. امکانات و تجهیزات به عنوان شاخص بعدی، منجر به کیفیت بهتر مرحله فرایند آموزش و یاددهی و یادگیری می‌شود. قوانین و مقررات یکسان به لحاظ قبولی در نمرات، احتساب سنوات دانشجویی و ... می‌تواند نابرابری دانشگاه‌ها را کاهش دهد. برنامه درسی و محتوای آموزشی که برای کسب یک درجه دانشگاهی مورد نیاز است از مهمترین مواردی است که برای دانشگاه‌ها در خور اهمیت است. این مهم باعث می‌شود که دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به لحاظ میزان و نوع محتوای آموزشی از سطح برابر و یکسانی برخوردار باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

در سالهای اخیر، منتقدان به عملکرد آموزش عالی در کشور بر آن شده‌اند تا برخی عوامل مربوط به کاهش عملکرد آن را ریشه‌یابی کنند. یکی از عوامل مهم در حوزه عملکرد دانشگاه‌ها، نابرابری دانش و مهارت‌های دانش‌آموختگان آن است که منجر به کاهش کیفیت کاری افراد در جامعه، عدم رشد و توسعه علمی کشور، عدم شکوفایی استعدادها و در نهایت اتلاف منابع انسانی و مالی خواهد شد. از آنجا که خروج دانش‌آموختگان با سطح مهارت‌های نابرابر ممکن است از ورود نایکسان داوطلبان نشأت بگیرد؛ لذا توجه به ورودی‌های دانشگاه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طبق نظر اعضای هیأت علمی (در پاسخ به سؤال اول پژوهش)، نتایج این تحقیق نشان داد که برخی مراکز آموزش عالی در انتخاب داوطلبان به حداقل‌های دانشگاهی مثل معدل و رتبه کشوری

و حتی به مرتبط بودن رشته مقطع قبلی با رشته دانشگاهی مورد نظر توجهی نداشته‌اند. در بسیاری از دانشگاه‌ها تا آن هنگام که صندلی و ظرفیت خالی جهت جذب دانشجو دارند، نسبت به ثبت نام داوطلب بدون توجه به شرط معدل و احراز رتبه کشوری اقدام می‌نمایند. این مهم منجر به خروج دانش آموختگانی با کیفیت نابرابر به لحاظ دانش و مهارت خواهد شد. در گذشته بسیاری از داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها با رتبه‌های بهتر از ورود به برخی رشته‌های دانشگاهی بدلیل نداشتن شرایط احراز منع شده‌اند؛ اما اکنون به علت رشد کمی دانشگاه‌ها، داوطلبانی با رتبه‌هایی به مراتب بدتر جذب آن رشته‌ها شده‌اند. این در حالی است که گاهاً عواملی چون هیأت علمی تمام وقت و مرتبط با رشته دانشگاهی و امکانات و تجهیزات در مرکز دانشگاهی وجود نداشته باشد.

طبق سؤال دوم پژوهش، برخی اعضای هیأت علمی، بیشترین نابرابری‌های کیفیت آموزش را در بحث قبل از ورود و ورود می‌دانستند. آنها معتقد بودند تفاوت‌های بین دانشگاه‌ها بیشتر در مرحله قبل از ورود و ورود آن شکل می‌گیرد. جذب دانشجو از طریق کنکور یا بر اساس سوابق تحصیلی خود عامل نابرابری است. ورود نابرابر باعث می‌شود در مراحل فرایند و خروج دانشگاه‌ها، نابرابری به قوت خود باقی بماند. در برخی رشته‌های تحصیلی بدلیل داشتن متقاضی بیشتر و دارا بودن بازار کار، جذب نابرابر دانشجو جهت پر کردن شکاف بین میزان دانش آموختگان و تقاضای بازار کار اتفاق می‌افتد. این مهم باعث می‌شود افراد بدون اینکه استعداد لازم در رشته مورد نظر را داشته باشند و بدون داشتن تخصص کافی، دانش آموخته شده و وارد بازار کار شوند. یکی از راه‌های کاهش نابرابری‌های آموزشی دانشگاه‌ها، توجه به صافی‌های ورودی دانشگاه است. دانشگاه‌ها با جذب داوطلبان نابرابر به لحاظ معدل و رتبه کشوری، از همان ابتدا آهنگ نابرابری‌های آموزشی را به صدا در می‌آورند. توجه دانشگاه‌ها به استانداردهای مورد نیاز جهت جذب داوطلبان به یک رشته دانشگاهی باعث می‌شود در مراحل بعدی آموزش در کلاسهای درس، امری یاددهی و یادگیری با کیفیت بهتری انجام گیرد. نابرابری‌ها در مرحله ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها بسیار مشهود و محسوس است. به طوری که هر فردی با هر سطح آمادگی علمی، امکان ورود به دانشگاه‌ها را دارد. این مسئله در بعد کمی مشکلی ایجاد نخواهد کرد؛ اما در بعد کیفی نیازمند توجه است. کیفیت دانش آموختگان دانشگاه‌ها و به حرکت در آوردن چرخ‌های اقتصادی و اجتماعی کشور نیازمند افرادی توانمند و ماهر است.

منابع

- خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۸۶). نظام ارتباطی آموزشی در ایران: بررسی انتقادی رابطه بین آموزش متوسطه و آموزش عالی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۲(۴): ۹-۲۷
- سبحانی نژاد، مهدی. افشار، عبدالله. (۱۳۸۷). تبیین ماهیت و مؤلفه‌های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی. فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۲ (۴): ۱۴-۳۰
- فتحی و اجارگاه، کوروش. پرداختچی، محمدحسن. ابوالقاسمی، محمود. محمد هادی، فریبرز. (۱۳۸۰). تضمین کیفیت در آموزش بر مبنای مدل تحلیل اهمیت/ عملکرد. فصلنامه راهبردهای آموزش، ۱۲ (۱۶): ۶۲-۵۷
- فیوضات، یحیی. (۱۳۹۶). نقش دانشگاه در توسعه ملی. تهران: نشر ارسباران.
- معروفی، یحیی، کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی. نامه آموزش عالی، ۲ (۴): ۹-۳۷
- مهدی، رضا. (۱۳۹۰). طراحی و تدوین مدلی جهت تضمین کیفیت آموزش مهندسی در بخش دولتی. رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- یارقلی، بهبود. (۱۳۹۲). تبیین فلسفه عدالت تربیتی بر مبنای واکاوی نظریه عدالت و اشاره‌های آن برای نظام آموزشی ایران. رساله دکتری دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- Basari, G., Altinay, Z. (2018). Tolerance, equality and access in all levels of education quality management. *quality & quantity*, 25(2): 105 -121.
- Brighouse, H. (2014). *The place of Education Equality in Educational Justice* Routledge. London: London university press
- Gosepath, S. (2014). *What does equality in education mean*. Routledge. London and New York.
- Gutmann, A. (1989). *Democratic Education*. Princeton University press.
- Hartwell, R.H. (2020). *Assessing quality in higher education: a study of information management practice*. Submitted to the school of graduate and professional studies in partial fulfillment of the requirement. Doctor of education at Delaware Valley University.
- Harvey, L., Williams, J., & Dill, D. (2012). *Quality in higher education*. Routledge Talor & Frances Group.
- Leinonen, T. (2000). *Equality of education: a Comparative Study of educational Ideologies of the World Bank and the Government of Zambia in 1971 – 1996*. University of Tampere.
- Li, L.w., Mahuteau, S., Dockery, A., & Junankar P.N. (2017). Equity in higher Education and graduate labor market outcomes in Australia. *Journal of Higher Education Policy and Management*, (13) 77:27-42

- OECD. (2016). PISA 2015 Results (Volume I): Excellence and equity in education PISA OECD publishing Paris.
- Olowo, F. (2018). **Transit Accessibility: Equity in Mobility for vulnerable population Groups: practices and Possibilities**. submitted in partial fulfillment of the requirement. master of art in geography in the graduate school of Binghamton university state university state university of New York.
- Pasque, R., Carducci, R., Kuntz, A.k. & Gildersleeve, R. E. (2013). Qualitative in for equity in higher education: Methodology goal implication, negotiations and responsibilities. **ASHE Higher Education Report**, 37(6): 185-210.
- Robertson, K.N. (2015). **Defying equity and addressing the social determinants of equity in international development evaluation**. A dissertation submitted to the Graduate college in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy inter disciplinary PH. D in Evaluation Western Michigan university.
- Rozario, S. (2019). **Higher Education in Bangladesh: An Inquiry into Educational Equity at Notre Dame University Bangladesh**. published by ProQuest LLC.

An analysis on the unequal entrance of candidates to universities, an urgency to increase the equality of the quality of education

Quarterly Journal of Educational Leadership
& Administration
Islamic Azad University Garmsar Branch
Vol.18, No 1, Spring 2024, No.67

An analysis on the unequal entrance of candidates to universities, an urgency to increase the equality of the quality of education
zahra Mostafapour¹, Hamid Rahimian², Abbas Abbaspour³, Saeed Ghiasi Nodoshan⁴, Ali Khorsandi Taskoh⁵

Abstract:

Purpose: Today, entry into the country's higher education centers is done due to the increase of candidates in some fields and the quantitative growth of the country's universities with uneven quality. The purpose of the current research is to identify the indicators of the quality of candidates entering universities to provide a model for it.

Method: This research was done using the qualitative method of content analysis. For this purpose, the number of 21 people was selected through purposeful sampling until reaching theoretical saturation from among the experts of universities and research centers related to the field of higher education quality. Semi-structured interviews were used to collect information. The theoretical validity method was used to determine its validity. Its reliability was calculated by coding six interviews with an agreement coefficient of 0.87.

Findings: The findings showed that according to the opinion of academic staff, the conditions and quality of candidates entering universities are unequal, and accordingly, the quality of education in universities is not the same and unequal. Also, the results showed that in order to create equality in the quality of candidates entering universities, there should be two stages before entering and the stage of entering universities and its indicators such as academic progress of the previous level, national ranking, human resources, finances, facilities and equipment noticed.

Conclusion: The results of the present research showed that educational justice in the recruitment of candidates to universities is one of the ways to improve the quality of education.

Keywords: unequal entry, education, educational quality, educational equality.

¹ - Instructor of the Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

² - Associate Professor, Department of Educational Sciences, Allameh Tabataba'I university, Tehran, Iran.

³ - professor, Department of Educational planning and Administration, Allameh Tabataba'I university, Tehran, Iran.

⁴ - Associate Professor, Department of Educational Sciences, Allameh Tabataba'I university, Tehran, Iran.

⁵ - Associate professor, Department of Educational Sciences, Allameh Tabataba'I university, Tehran, Iran.